

سیر حوادث تاریخی چهل ساله افغانستان در بیانات حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری عظمی الله له

□ سید محمدتقی موسوی *

چکیده

بدون شک حضرت امام خمینی رحمته الله علیه شخصیت تاریخ ساز و کم نظیر قرن بیستم است که با ابتکارات خود مسیر تحولات دینی، سیاسی و فرهنگی، را در دنیا، عوض نمود. تأثیر گذاری افکار امام خمینی رحمته الله علیه همه جهان را در بر گرفت. از جمله کشورهای که اندیشه‌های ناب امام خمینی رحمته الله علیه در آن به سرعت نفوذ کرد، کشور افغانستان است. این پژوهش به بررسی دیدارها و بیانات حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مقام عظمایی ولایت حضرت ایت الله العظمی خامنه‌ای مدظله پرداخته است سیر تاریخ چهل ساله خونبار و غمبار کشور افغانستان را از این جهت بررسی نموده و بیشتر منابع آن از مجلات مقالات و نرم افزار کامپیوتری به سوی نور پنج می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیعیان افغانستان، اوضاع سیاسی، نقد مورخان، تاریخ معاصر، سده اخیر.

* سید محمدتقی موسوی فارغ التحصیل سطح چهار جامعة المصطفی العالمیه (m.t.musavi53@gmail.com).

مقدمه

افغانستان کشوری است که در قلب آسیا قرار دارد و به گفته علامه اقبال لاهوری رضوان الله علیه: آسیا یک پیکر آب و گل است = ملت افغان در آن پیکر دل است. کشور افغانستان از سال ۱۳۵۷ که توسط اتحاد جماهیر شوروی اشغال گردید حوادث خونبار را در تاریخ خود تجربه نموده مدت چهل سه سال است که مردم این کشور آواره کشورهای بیگانه است ابرقدرتها و همسایگان در تلاشند منافع شان را در این کشور حفظ نمایند اما آنچه در طول این برهه از تاریخ قربانی گردیده و به فراموشی سپرده شده مردم این ملت است حضرت امام خمینی علیه السلام و حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران از جمله شخصیت‌های مهم تاریخ این عصر است که در طول مسئولیت شان دیدگاه‌های مهم را در حوادث مهم تاریخی کشور افغانستان بیان نمودند و بر این باور است که ملت افغانستان یک گروه نیست، یک حزب نیست؛ ملت افغانستان مجموعه‌ای است که همه‌ی احزاب و همه‌ی گروه‌ها را دربر میگیرد و وقتی که دستشان را روی دست هم بگذارند، به نظر میرسد که اکثریت قاطع آن ملت را پشت سر خودشان داشته باشند - [البته] باز هم نمیشود یقین کرد که همه‌ی آن ملتند؛ ولی خب، اکثریت قاطعند - اما وقتی همه با هم باشند؛ یدُ الله معَ الجماعه. (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) شاید ان شاء الله این هم صدایی و هم دستی را بتوانید ایجاد کنید. و مردم افغانستان تلاش بکنند با حفظ حقوق حقّی این بخش عظیم از ملت افغانستان که عبارت باشند از شیعه، و نیز حفظ حقوق حقّی آن دسته از برادران سنی که نماینده‌ای در آن جمع ندارند، ان شاء الله وحدت انجام بگیرد.

این پژوهش به بررسی سیر تاریخی حوادث افغانستان در طول چهل ساله خونبار افغانستان از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله) پرداخته است

افغانی‌ها مردم دلیر شجاع و برومند هستند

امام خمینی علیه السلام طی سخنانی در جمع بازاری‌های تهران در سال ۱۳۶۱، مهاجرین افغان را مهمان ایرانی‌ها خواندند و مردم ایران را برای پذیرایی از مهاجرین توصیه کردند. در سخنان حضرت امام علیه السلام تعبیرهای زیبا و دلسوزانه‌ای در رابطه با مردم افغانستان وجود دارد. آن حضرت به مسلمانی، شجاعت، دلیری و مظلومیت مردم افغانستان تأکید داشته و جوانان مجاهد افغان را جوانان برومندی می‌داند بتی راکه به نام شوروی برای ملت‌ها تراشیده شده بود، شکستند. آن حضرت، مجاهدان افغانستان را چریک‌های قدرتمندی خطاب کرد که بر شوروی چنان سیلی زدند که دیگر نتوانست سرش را بلند کند.

افغانی‌ها برادر ما هستند

ایشان در بیان دیگر می‌فرمایند: افغانستان کشوری است که در همسایگی ما واقع است و مسلمان است. ما با ملت افغانستان روابط دوستانه داریم، آنان برادران ما هستند. امام خمینی علیه السلام همچنین اظهار داشته‌اند: ما بار دیگر پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال‌گران را شدیداً محکوم می‌نماییم. ما مسلمانی‌ها و شرق و غرب برای مان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم.

مقاومت در برابر دشمنان

ایشان خطاب به مسلمانان ابراز داشتند: هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی! به پا خیزید و مقدرات خود را [به دست بگیرید]. تا کی تحمل جنایات وحشتناک بر، برادران افغانستان و لبنان را نموده و به ندای آنان جواب نمی‌دهند. تا کی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات خود، از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخوردهای سازشگرانه با ابرقدرت‌ها وقت گذرانند و به اسرائیل مهلت جنایت‌های بی‌امان را داد و شاهد قتل عام‌ها باید بود؟

برائت مافریاد دردمندان است

حضرت امام روح‌الله همچنين در جای دیگر با اشاره به جهاد در راه خدا فرمودند: درود بر اسلام عزیز، درود بر مجاهدین در راه حق، درود بر شهدای در راه خدا در طول تاریخ، درود بر شهدای ایران، فلسطین، لبنان و افغانستان؛ سلام بر رزمندگان جبهه‌های جنگ علیه باطل و سلام بر بندگان صالح خداوند. و همین طور، مهمان‌هایی که داریم، افغانی هستند، مسلمان هستند یا فرض کنید که عراقی هستند، یا بیچاره‌ها را از خانه‌های‌شان دور کردند، مالشان را بردند، خودشان را فرستادند اینجا. خوب، باید چه کرد با این‌ها؟ نباید این‌ها را پذیرایی کرد؟ ما مسلمانیم، آن‌ها هم مسلمانند، ما باید از آن‌ها پذیرایی کنیم، خدمت کنیم به آن‌ها و این دولت است که دارد این کارها را می‌کند. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است؛ فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است

امام خمینی علیه السلام و مهاجرین افغانستان

امام خمینی علیه السلام همان‌گونه که به یاد مردم داخل افغانستان بوده و همیشه در حمایت از حرکت‌هایی بخش اسلامی و ملی افغان‌ها، کوشش بی‌دریغ نموده‌اند از فکر مهاجرین افغانی مقیم ایران که پس از اشغال کشورشان توسط شوروی، به ایران پناه آوردند نیز بیرون نبوده، به مردم ایران توصیه به بر خورد گرم با مهاجرین افغانی و پذیرایی جدی از آنها می‌کنند و هم به مسئولان مملکتی دستور رسیدگی و کمک به این دسته را می‌فرمایند.

چنانچه ایشان در بیانات خود خطاب به اعضای بسیج و سپاه می‌گویند: آواره‌هایی که از افغانستان الآن در ایران هستند و مشکلات زیادی دارند... البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه این امور، لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد... دولت است که متکفل این امور است و مسئول این امور است.

و در جایی دیگر طی فرمایشاتی خطاب به نمایندگان اصناف و بازاریان تهران می‌فرمایند: ... و همینطور مهمان‌هایی که داریم، خوب افغانی هستند، مسلمان هستند

تاثیر سخنان امام در مورد افغانستان در سطح جهان

به طور قطع می‌توان گفت که افکار و اندیشه خدایی امام خمینی علیه السلام نسبت به مردم، مجاهدین داخل و مهاجرین افغانستانی مقیم جمهوری اسلامی ایران و طرح آن‌ها در قالب دستورات و یا فرمایشات صریح و مکرر، خطاب به مسئولین دولت ایران و مردم این کشور، علاوه بر اینکه خط و جهت عمومی و وظایف اساسی ایرانی‌ها را نسبت به مسایل افغانستان، هم در ابعاد سیاسی و انسان دوستانه و هم در قسمت دینی، روشن ساخته، در سطح منطقه و جهان اثرات شگرف و عمیقی را به جا گذاشت و با توجه به محبوبیت آن بزرگوار در میان ملت‌ها و اثر گزاری عمده ایشان بر مناسبات جهانی، موضوع افغانستان، مجاهدین این کشور و مردم جهاد پرور آن، در مرکز توجه جهانی قرار گرفت و بسیار بسیار به نفع همه جانبه افغانستان تمام گردی (سید جعفر عادل «حسینی»، امام خمینی علیه السلام حقیقت همیشه زنده، ص ۲۴۱).

بخشی از نامه حضرت امام خمینی علیه السلام به گورباچوف

جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش‌های والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسأله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوری‌های شوروی، نشان دادید که دیگر این گونه فکر نمی‌کنید که مذهب مخدر جامعه است. (برگرفته از کتاب «افغانستان در کلام امام علیه السلام» نوشته «سید محمد باقر مصباح‌زاده» (بخشی از نامه تاریخی امام به «میخائیل گورباچف» رهبر شوروی سابق در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴)

پیش‌بینی شکست شوروی در افغانستان توسط حضرت امام خمینی علیه السلام

امام راحل به عنوان حامی مظلومان جهان با هشدار به شوروی سابق آنان را از نتیجه اقدام

خطرناکشان یعنی حمله به افغانستان بر حذر می‌داشت به اعتقاد امام سرانجام این تجاوز شکست بود. امام با دید الهی خود در همان زمان به طور تلویحی نسبت به تجاوز به افغانستان نیز هشدار دادند که: «امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذنان آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم - دیده - کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد.» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۱۷) سرانجام مقاومت نیروهای مجاهدین و مردم مسلمان افغانستان، پیش بینی امام را به اثبات رساند و ارتش سرخ شوروی سابق به ناچار در ۲۶ بهمن سال ۱۳۶۷ خورشیدی، نیروهای خود را از افغانستان خارج کرد.

نظر حضرت امام در دیدار با سفیر شوروی سابق

امام خمینی علیه السلام که همواره از حامیان اصلی مردم افغانستان در برابر تجاوز ارتش سرخ شوروی به افغانستان بود و شکست ارتش سرخ شوروی را پیش از تجاوز نیروهای شوروی به خاک افغانستان پیش بینی کرده بود، در خصوص ملاقات خود با سفیر شوروی اینگونه فرمود: «آن روزی که سفیر شوروی آمد پیش من، گفت که دولت افغانستان خواسته است که شوروی نظامی به آنجا بفرستد، به او گفتم که این اشتباهی است که شوروی می‌کند. البته دولت شوروی می‌تواند افغانستان را قبضه کند، ولی نمی‌تواند در آنجا مستقر شود. اگر شما خیال کرده اید بتوانید افغانستان را بگیرید و آن را آرام کنید، این خیالی باطل است. شما هم اگر بروید و هر قدرت دیگری هم برود، آن جا را می‌گیرد اما نمی‌تواند آن را آرام کند و بالاخره شکست می‌خورد.» (صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۲۱۵) در پیامی که در سال ۱۳۶۶ از طرف امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به حجاج بیت الله الحرام صادر می‌شود، امام تأسف خود را از اینکه شوروی به تذکر ایشان عمل نکرده است، اعلام کرده و می‌فرماید: «من متأسفم که شوروی

به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته ام و اکنون نیز تذکر می‌دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید. مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می‌کنند و به ولایت «کرمین» یا قیومت آمریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان به سلطه دیگری گردن نمی‌نهند و پای آمریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می‌شکنند.» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۱۷)

ایجاد فساد توسط اشغال گران

امام علیه السلام در سخنان دیگری در همین رابطه در سال ۱۳۶۲ می‌فرمایند که هر جا که شوروی و آمریکا بروند و آنجا را اشغال کنند، فساد به بار می‌آورند: «شوروی به عنوان اینکه صلح در افغانستان درست کند، آمده است چندین سال است، قریب پنج سال است که الآن دارد در افغانستان آتش بپا می‌کند. از آن طرف هم آمریکا در هر نقطه ای که دستش برسد می‌گوید ما برای صلح می‌خواهیم برویم و لکن فساد ایجاد می‌کند.» (همان، ج ۱۸، ص ۲۳۷)

شکسته شدن بت بزرگ توسط مجاهدین افغان

امام خمینی علیه السلام در سخنان حکیمانه دیگری که با سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۵۹ داشته‌اند در رابطه با مقاومت مجاهدین افغانستان چنین فرموده‌اند: «آن چنان سیلی زدند چریک‌های قدرتمند افغانستان به روی شوروی که باید سرش را بلند نکنند.» (صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۲۷۸) در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۹ امام خمینی علیه السلام از شکست بت بزرگ شوروی توسط مجاهدین افغانستان این چنین یاد کرده‌اند: «ارزش این چریک‌های افغانی این است که شکستند آن بت‌های بزرگی را که تراشیده بودند که اگر کسی با شوروی یک کلمه بگوید، باید به فنا برسد. اینها شکستند این را. آنها هم چندین ماه است که الآن با همه قوایی که آن قدرت بزرگ پیش آورده برای آنها- و حکومت خودشان هم با آنها

مخالف است، با ملتش مخالف است- چریکهای افغانستانی شکستند آن هیولا و چیزی [را] که برای ملت‌ها پیش آورده بودند. این عمل شما در اینجا و آن عمل آنها در آنجا ارزشش یک ارزشی نیست که ما بتوانیم به میزان درآوریم.» (صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۳۰۶)

محکوم نمودن حضرت امام اشغال افغانستان را

امام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر مسلمانان جهان بارها در سخنان و پیام‌های خود اشغال افغانستان را محکوم نموده و در پیامی که به مناسبت دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر فرمود به مسلمانان دنیا تاکید کرد که به داد مردم افغانستان و به داد اسلام برسید: «اگر از افغانستان اطلاع ندارید، علمای افغانستان و بسیاری از محترمین افغانستان این جا هستند، در ایران هستند، از آنها سؤال کنید که به افغانستان چه می‌گذرد. ای مسلمین! به داد اسلام برسید.» (صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۳۶) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در پیامی که به مناسبت سالروز قیام پانزده خرداد در سال ۱۳۶۲ صادر فرمودند، اشغال افغانستان را محکوم نموده و گفتند: «آیا درست است که شوروی مسلمانان افغانستان را زیر شدیدترین فشارها قرار دهد و کشور اسلامی افغانستان را اشغال کند و شما ساکت باشید؟» (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۴۸۳)

در پیام امام به حجاج بیت الله الحرام در سال ۱۳۶۲، وی ضمن محکوم کردن اشغال افغانستان، از مسلمانان جهان می‌خواهد که در مراسم برائت از مشرکین این اشغال را محکوم نمایند و در ادامه این پیام از شکست ارتش سرخ شوروی چنین یاد می‌کنند: «آن قدرت اسطوره ای و ارتش قدرتمند، حکومت غاصب و حزب خائن را با قدرت ایمان و اتکای به خدای بزرگ و اعتماد به خویش در هم کوبید به طوری که باید گفت شوروی با پریشانی و پشیمانی از هجوم ظالمانه خود به سر می‌برد و در حیرت است که چگونه از افغانستان بدون آبروریزی جا خالی کند.» (صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۹۳)

مسلمانان در سرنوشت همدیگر شریک هستند

امام خمینی رحمه الله در پیام تاریخی خود نیز خطاب به «گورباچف» می‌فرماید: «نگرش جدی به

اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مساله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم.» (صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۲۵) پیش بینی حضرت امام در خصوص شوروی درست بود و در مورد آمریکا نیز در برهه کنونی صحت دارد، درست است که آنان افغانستان را اشغال کردند، ولی هرگز نه خودشان و نه ملت افغانستان از زمان اشغال تا کنون در آرامش نبوده‌اند و اکنون ارتش آمریکا با شکستی مفتضحانه با تغییر ژنرال‌های نظامی در این کشور به دنبال خروج از منجلا ب افغانستان و خروجی آبرومندانه است.

حمایت حضرت امام از مردوم افغانستان

شوروی قبل از لشکرکشی علنی به افغانستان، سفیر خود در ایران ماموریت داد تا به دیدار امام خمینی علیه السلام رفته نظر ایشان را جویا گردد. عکس العمل قاطع امام خمینی علیه السلام، به روس‌های متجاوز فهماند که نظام اسلامی سیاست خود را بر اساس اصول اساسی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی تعیین می‌کند نه بر بنای بازی‌های عوام فریبانه ی نظام دوقطبی. امام خمینی علیه السلام خطاب به سفیر شوروی در ایران، به صراحت گفتند: ما از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند. امام با تأکید بر اسلامی بودن جنبش مردم افغانستان و رد اظهارات سفیر شوروی مبنی بر وجود جنبش ضد انقلابی در آن کشور، فرمودند: معلوم می‌شود که شما از اوضاع افغانستان خیلی اطلاع ندارید. در افغانستان حکومت فعلی فشار زیادی به نام کمونیست به مردم وارد می‌آورد؛ و به اطلاع ما رسیده که حدود پنجاه هزار نفر از مردم در افغانستان کشته شده‌اند؛ و علمای اسلام را در آنجا دستگیر کرده‌اند (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۱۱۴) امام راحل در یکی دیگر از ارشادات روشن گرایانه ی خویش با تأکید بر این نکته که مردم مسلمان افغانستان با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به خویش، هجوم ناجوانمردانه ارتش قدرتمند و اسطوره‌ای شوروی را «درهم کوبید به طوری که باید گفت شوروی با پریشانی و پشیمانی از هجوم ظالمانه خود بسر می‌برد؛ و در حیرت است که چگونه از افغانستان بدون آبرو ریزی جا خالی کند». (همان، ج ۱۸، ص: ۹۳) آن چریک‌های قدرتمند

بودند که مقابل ایستادند و تو دهنی به آنها زدند و الآن هم دارند می‌زنند. (همان، ج ۱۸، ص: ۱۴۰) شوروی فهمید که در افغانستان [نمی‌تواند کاری بکند.] با اینکه (در) کشور افغانستان، آن‌هایی که سرکار هستند با شوروی هستند و کمونیست در آن جا هست، مع ذلك، این عده‌ای که مسلمان هستند در آن جا و اهل اسلام هستند همچو مجال را بر شوروی تنگ کرده‌اند که الآن نمی‌داند چه جوری از این غائله بیرون برود (همان، ج ۲۰، ص: ۲۴۳)

متوسل شدن به ترور شخصیت‌های مذهبی

امام در یکی دیگر از بیانات خود - با یادآوری این نکته که استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی و نفوذ و گسترش فرهنگ گمراهی را به آزمایش گذاشته‌اند - آرزو کردند: ای کاش همه تجاوزات جهان‌خواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان پرور افغانستان علنی و رو دررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند (همان، ج ۲۱، ص: ۱۲۰) شوروی در افغانستان و هر جا که بتواند دست درازی می‌کند و ملت مظلوم افغانستان را آن‌طور سرکوب می‌کند، و بحمدالله ملت افغانستان هم مقابله مردانه‌ای در مقابل آن قدرت بزرگ کرده‌اند (همان، ج ۱۸، ص: ۵۱) ما بار دیگر پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال اشغال‌گران را شدیداً محکوم می‌نماییم. ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم. این يك وظیفه اسلامی است (همان، ج ۱۲، ص: ۱۳۸)

امام خمینی علیه السلام و مجاهدین افغانستان

یکی از کشورهایی که همواره در مرکز توجه حضرت امام خمینی علیه السلام بوده، افغانستان و بخشی از پیکره امت اسلامی که به طور مرتب و دایم مورد حمایت آن بزرگوار بوده، شاید در اثبات حمایت امام خمینی علیه السلام از مردم مجاهد افغانستان، ذکر همین مطلب بس باشد، امام خمینی علیه السلام به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شوند به پیشنهاد وزیر خارجه وقت شوروی مبنی بر قطع حمایت

از مجاهدین، جواب مثبت بدهند. قصه از این قرار است که: در زمان جهاد مردم افغانستان، آن هم در شرایطی که ایران اسلامی، در گیر جنگ نابرابر و تحمیلی با ارتش مجهز و تا به دندان مسلح صدام بود که در حقیقت با چراغ سبز استکبار و حمایت همه جانبه کشورهای قدرتمند دنیا و حتی برخی کشورهای به ظاهر مسلمان، علیه حکومت اسلامی تحت رهبری امام خمینی علیه السلام اقدامات جنگ افروزانه را روی دست گرفت، وزیر خارجه وقت اتحاد جماهیر شوروی، خدمت امام خمینی علیه السلام رسید و از ایشان تقاضا کرد که دست از حمایت جهاد مردم افغانستان بردارند و در عوض، شوروی ها، امکانات نظامی به خصوص موشک های دوربرد به رژیم صدام ندهند داد تا بتواند قلب تهران را نشانه بگیرد و پایتخت مورد اقامت آن بزرگوار را تخریب کند؛ اما جواب امام خمینی علیه السلام چنان دندان شکن بود که باعث حیرت نه تنها وزیر خارجه شوروی که تمام قدرتمندان دنیا شد و آن پاسخ، «نه» بود در برابر بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا و در نتیجه امام حاضر نشد حتی به خاطر درامان ماندن جان خود و هموطنان شان، از حمایت مجاهد مردان افغانستان دست بکشند (عادلی همان)

افغانستان در بیانات رهبر معظم انقلاب حفظه الله

۱. مردم افغانستان، آزاده، شجاع و بسیار با استعدادند

مقام معظم رهبری بعد از حوادث حمله به برج تجارت جهانی واشغال افغانستان توسط امریکا سخنان مهم و تحلیل بسیار جالب را در مورد افغانستان دارد از جمله می فرماید: مردم افغانستان، آزاده، شجاع و بسیار با استعدادند و از فرهنگ بسیار عمیق و قدیمی برخوردارند. مردم مظلوم افغانستان گناهی نکرده اند. مگر خون کسانی که در ساختمان تجارت جهانی در نیویورک کشته شدند، رنگینتر از خون مردم افغانستان است؟! چرا و به چه دلیل؟ چون یقه اینها چرکین است؟ چون از بهداشت و غذا و آسایش و امنیت محروم مانده اند؟ آن هم به خاطر تسلط کسانی که در طول سالهای متمادی، دست پرورده قدرتهای بزرگ بوده اند؟ قبل از کودتای بیست و چند سال پیش، کسانی که در رأس قدرت بودند، وابسته به قدرتهای بزرگ بودند. بعد

هم که کمونیستها بر سرکار آمدند، وابسته به شوروی بودند. بعد هم که خود مردم میدانند و میبینند. در این اواخر، همیشه سرنوشت مردم افغانستان را دخالت قدرتها رقم زده است. دلیل فقر و عقب ماندگی مردم افغانستان اینهاست؛ و آلا مردم افغانستان، آزاده، شجاع و بسیار با استعدادند و از فرهنگ بسیار عمیق و قدیمی برخوردارند. ما مردم افغانستان را میشناسیم و قرن‌ها با هم زندگی کرده‌ایم. ما میدانیم اینها مردم بسیار با استعدادی هستند. هیچ چیز اینها از مردم دیگر دنیا کمتر نیست؛ خیلی چیزهایشان بیشتر هم هست. این مردم چه گناهی کرده‌اند که باید قربانی اهداف و سیاستهای گوناگون شوند؟ در این زمینه، سازمان کنفرانس اسلامی و دولتهای اسلامی وظیفه دارند. باید عاقلانه و مدبرانه وارد میدان شوند و نگذارند به این مردم لطمه بخورد. گیرم که چند تروریست در آن جا لانه کرده باشند - ما راست یا دروغ این را نمیدانیم؛ ادعای امریکاییهاست - چرا باید گناه آنها به مردم افغانستان تسری پیدا کند؟ چرا مردم این کشور باید پایمال شوند؟ (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح. ۱۳۸۰/۷/۴)

۲. جنگ داخلی در افغانستان شرعا حرام و مورد نفرت رسول الله ﷺ می‌باشد

یکی از حوادث خونبار تاریخ چهل ساله افغانستان جنگهای داخلی در این کشور است که بسیار از مردم این ملت به تباهی کشانیده شد مردم افغانستان اعم زن و مرد پیرو جوان زن و کودک در این جنگها خانمانسوز آسیب دیدند مقام معظم رهبری درباره این حادثه تاسف بار بر این باور است که جنگ داخلی در افغانستان شرعا حرام و مورد نفرت رسول الله مکرّم ﷺ می‌باشد و می‌فرماید:

خدمت برادران عزیز مسلمان در کشور خونین و مظلوم افغانستان پیروزی شما ملت مبارز بر دشمن اشغالگر یکی از حوادث معجزه‌آسای تاریخ معاصر بود لیکن این پیروزی با جنگهای خونین داخلی و کشتارهای برادران به دست یکدیگر در کام کشور و ملت شما چون زهر تلخ شد شک نیست که دست نابکار دشمن در ایجاد این درگیریها نقش زیادی داشته است، ولی اگر گروههای داخلی فقط به تکلیف الهی فکر می‌کردند و خودخواهی و

گروه‌گرایی وجود نمی‌داشت دشمن نمی‌توانست چنان فاجعه‌ای را به وجود آورد. جنگهای بین دستجات سیاسی یا نژادهای گوناگون افغانی یا مذاهب مختلف اسلامی و یا میان دستجات مختلف شیعه همه به هر شکلی و با هر انگیزه‌ای به ضرر ملت افغانستان تمام شده است و از این پس باید به طور کامل متوقف شود. اینجانب به برادران شیعه‌ی افغانستان و به هر کس دیگری از مردم افغانستان که نصیحت برادرانه و خیرخواهانه اینجانب در دل او اثر خواهد داشت عرض می‌کنم که هرگونه درگیری گروهی و جنگ داخلی در افغانستان شرعا حرام و مورد بغض و نفرت روح مطهر رسول الله ﷺ می‌باشد و به برادران شیعه عرض می‌کنم که جنگ میان آحاد شیعه دل مقدس حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفداء) را به درد می‌آورد و هیچ یک از آحاد شیعه اعم از حزب وحدت و غیر آن و مردم غیر حزبی، مطلقا و به هیچ بهانه حق ندارند با یکدیگر جنگ کنند و هیچ تعهدی به سایر گروهها و احزاب افغانی مبنی بر ورود در جنگ، معتبر نیست. امیدوارم خداوند متعال شما ملت افغانستان را مشمول لطف و فضل و هدایت و کمک خویش قرار دهد و دست فتنه‌گران را از زندگی شما کوتاه کند. (پیام خطاب به مردم مسلمان افغانستان خرداد ۱۳۷۴/۰۳/۱۳)

۳. بیانات در دیدار اعضای مجمع علمای اهل تسنن و تشیع افغانستان

آقایان محترم و برادران عزیز و علمای ملت مسلمان و غیور افغانستان، خیلی خوش آمدید. خدا را سپاسگزاریم که وعده‌ی خودش را جامه‌ی عمل پوشاند و نصرت را به شما ارزانی داشت. با این که چشمهای ظاهربین و مادی، این را بسیار دور می‌دانستند که روزی این ملت، با تنهایی‌اش، با عظمت ظاهری دشمنش، با غربتش و در خانه‌ی خودش - که بیگانگان بر آن مسلط بودند - بتواند پیروزی را به دست آورد، اما خدای متعال به ملت افغانستان، به خاطر ایمانش نصرت عطا فرمود و دشمن را علی‌رغم ظاهر قدرتمند مادی‌اش شکست داد و شما را در زمین خودتان متمکن کرد.

اولین وظیفه‌ی یک ملت بعد از پیروزی، عبارت است از شکر خدا بر این نعمت: «لئن

شکرتم لازیدنکم (ابراهیم/۷)». باید به ملتها و امتهای دیگر نگاه کنیم که بر اثر ناسپاسی، به قهر الهی دچار شدند. شکر خدا در این است که احکام خدا در افغانستان پیاده شود. «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور. (حج/۴۱)» این، تکلیف اول است.

نباید در زیر فشار تبلیغات دنیای مادی، تحت تأثیر قرار گیریم، که ما را به خاطر نمازمان، به خاطر زکاتمان، به خاطر امر به معروفمان و به خاطر نهی از منکرمان، مرتجع به حساب آورند. تبلیغات، نباید در ما اثر کند. رعایت حدود دین الهی، بدون هیچ ملاحظه‌ای توکل به خدا لازم دارد. «ولولا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئاً قليلاً» (بنی اسرائیل/۷۴). این را خدا به پیغمبر می‌فرماید. باید به خدا توکل کرد، از او کمک خواست و از غیر او ترسید و از او ترسید. همه چیز ما متعلق به اوست. اگر امروز مسلمین قدرت و استقلالی دارند، فقط موهبت الهی است. ما ایرانیها و شما افغانها، زیر بار منت هیچ کس دیگر نیستیم و نیستید و نباشید.

هیچ کس نمی‌تواند به ما ملتهای مسلمان بگوید ما به شما کمک کردیم که پیروز شدید. دشمنان اسلام به بندگان خدا کمک نکرده‌اند و نخواهند کرد. اگر بتوانند، ضربه هم می‌زنند. خدا ما را پیروز کرد. خدا شما را پیروز کرد. تمسک به دین، ما و شما را پیروز کرد. علت به وجود آورنده‌ی پیروزی، توکل به خدا و عمل به دین او بود. علت بقای پیروزی هم، توکل به خدا و عمل به دین اوست. برای همین است که نقش علما در کشورهای ما اهمیت پیدا می‌کند.

دین از سیاست جدا نیست. اسلام؛ حکومت، امارت، خلافت، بیعت، جهاد، جنگ، صلح، سیاست، مالیات، تدبیر امور مردم و آموزش و پرورش را - که اینها همه از شؤون حکومت است - از دین دانسته است. کتابهای فقهی ما - چه کتب فقهی شیعه، چه کتب فقهی اهل سنت - را باز کنید و ببینید که همه‌ی ابواب امور زندگی در این کتب هست. اینها همه سیاست است و دین، متکفل همه‌ی اینهاست. نگویند که علما بروند در مساجد خودشان و مسأله‌شان را بگویند؛ سیاستمداران هم می‌دانند کشور را چگونه اداره کنند! خیر؛ سیاستمداران اگر خودشان علمای بالله و علمای دینند، حکم خدا را در باب سیاست می‌دانند. اما اگر نیستند،

باید از علمای دین ارشاد بخواهند و حکم خدا را سؤال کنند و به آنچه که آنها گفتند عمل نمایند. دین باید بر کشورهای که به برکت دین در آنها انقلاب شده و مسلمانان به پیروزی رسیده‌اند، حکومت کند. علما اگر بخواهند در امور کشور دخالت داشته باشند، باید خودشان را آماده کنند. خیال نکنیم که اداره‌ی کشور مثل اداره‌ی یک مسجد در فلان شهر یا روستاست؛ خیر. اداره‌ی کشور، سخت است. هوشیاری لازم دارد؛ قوت اراده لازم دارد؛ فریب نخوردن لازم دارد؛ شناختن دشمن و شناختن دوست لازم دارد. دشمن، در لباس دوست ظاهر می‌شود و حرفهای فریبنده می‌زند. دشمن، انسان را تهدید و تطمیع می‌کند و می‌ترساند. انسان، اوضاع دنیا را باید بداند تا بتواند درست تصمیم بگیرد. علما به سرعت باید خودشان را با اوضاع جدید جامعه تطبیق دهند و از اوضاع جهان باخبر شوند. در حدیث است که «العالم یزمانه لانهجم علیه اللوابس» (بحارالانوار: ج ۷۸ ص ۲۶۹). اگر عالم به زمان نبودید، اشتباه خواهید کرد و راه را غلط تشخیص خواهید داد. باید عالم به زمان بود. پس، تکلیف علما، اولاً حفظ جهت دینی و راه مستقیم قرآن و سنت، و ثانیاً تطبیق خود با زمان و فهم معارف عصر است. باید بدانیم در دنیا چه می‌گذرد. اگر شناسیم؛ اگر ندانیم دور و برمان چه خبر است؛ اگر مطالع استعماری و اهداف استکباری و این استبداد جهانی را که امروز بر دنیا حاکم است، شناسیم و ندانیم که قدرتهای جهانی، استبداد به خرج می‌دهند و نسبت به ملتهای ضعیف و کوچک، دیکتاتوری می‌کنند؛ نخواهیم توانست به تکلیف خودمان عمل کنیم.

تکلیف سوم علما، هدایت مردم است. مردم، عیال الله اند. بر عهده‌ی علماست که آنها را ارشاد و هدایت کنند، در صحنه نگه دارند و تشویق به ادامه‌ی جهاد نمایند. مردم افغانستان خیال نکنند که پیروزی رسید و از فردا باب خیرات و برکات باز خواهد شد؛ خیر. زحمت دارد؛ سازندگی و تلاش و راندن دشمن لازم دارد؛ حفظ دوست و تشکیل قدرت و از همه بالاتر، وحدت لازم دارد. این جا می‌رسیم به دومین نکته‌ای که مورد نظر من است و آن، موضوع وحدت است.

امروز دشمنان اسلام درصددند که وسیله‌ی اختلاف پیدا کنند؛ چه اختلاف قومی و چه

اختلاف مذهبی. عین همان حوادثی را که می‌خواستند در اول انقلاب در ایران به‌وجود آورند، در افغانستان تعقیب می‌کنند. البته در این‌جا وجود یک رهبر نافذ‌الکلمه‌ی قوی متوکل علی‌الله و با استقامت در راه خدا، مثل امام رضوان‌الله تعالی علیه، مانع از پیشرفت نقشه‌های آنها شد. این‌جا هم سعی کردند ملیتها و قومیتها را در مقابل هم قرار دهند. در کشور ما، فارس هست، ترک هست، عرب هست، بلوچ هست، ترکمن هست، لر هست، کرد هست. سعی کردند اینها را در مقابل هم قرار دهند و از یادشان ببرند که همه ایرانی‌اند. ملت ایران به هوش بود. برای یک مدت کوتاه در بین مردم جنجالی درست کردند، لکن نتوانستند موفق شوند. در اوایل انقلاب، خرمنها را آتش می‌زدند. در نقاطی که سنی و شیعه بودند - مثل بعضی از قسمتهای شمالی و بعضی از قسمتهای جنوبی و غربی کشور - خرمنها را آتش می‌زدند؛ برای این‌که هر گروه به گروه دیگر بدبین شود. شیعه بگوید «سنی بود»، سنی بگوید «شیعه بود». جنایتها می‌کردند! خیلی سعی کردند از این کارها در ایران انجام دهند: در کردستان یک‌طور، در بلوچستان یک‌طور و در ترکمن صحرا طور دیگر. الان، همان کارها و همان نقشه‌ها را در افغانستان دنبال می‌کنند. این یکی بلوچ است، این یکی پشتوست، این یکی تاجیک است، این یکی ازبک است، این یکی هراتی است، این یکی شیعه است، این یکی سنی است. اینها را تلقین می‌کنند. در همان اوایل انقلاب، یکی از علمای اهل سنت در کردستان مصاحبه‌ای کرد که مصاحبه‌ی بسیار خوبی بود. من از آن وقت به این شخص خیلی علاقه‌مند شدم. کردهای ما، غالباً سنی شافعی هستند. گفت: «می‌آیند به ما می‌گویند شما سنی هستید، آنها شیعه. ولی من می‌دانم آنها نه علی را قبول دارند، نه عمر را. نه سنی را قبول دارند، نه شیعه را. آنها با اصل قضیه مخالفند.» او خوب فهمیده بود قضیه این است. تحریکات می‌کنند، پول می‌دهند، دلار خرج می‌کنند. دشمن که مستقیم نمی‌آید با ریش تراشیده و پایپون به زیر گلو، به من و شما بگوید که «آقا، بیا علیه برادر مسلمانان کاری بکن»؛ نه. ده‌تا واسطه درست می‌کند. در لباس دیگری، در جلد دیگری، با وسائل و وسائط، خودش را می‌رساند به من که شیعه هستم یا سنی هستم و شروع می‌کند به وسوسه کردن: «این‌طور گفتند»، «این‌طور کردند»، «چرا

جواب نمی‌دهید؟» «چرا دفاع نمی‌کنید؟» «چرا قیام نمی‌کنید؟!» هدف چیست؟ این که یک کشور دیگر، که بحمدالله پرچم لاله الاالله و محمدرسول الله، صلی الله علیه و آله، در آن جا برپا شده است، نباشد.

اینها سرشار از بغضند. «ولن ترضی عنک الیهود و لالنصارى حتى تتبع ملتهم. قل ان هدی الله هوالهدی. (بقره/۱۲)» اینها که دست‌بردار نیستند. ما امروز بحمدالله در کنار خودمان وجود برادران را، بعد از آنی که غریب بودیم احساس می‌کنیم. یک طرفمان حکومت افغانستان بود، کمونیست! یک طرفمان، حکومت شوروی بود، کمونیست! یک طرفمان حکومت بعثی بود، بدتر از کمونیست. این وسط، تنها و غریب مانده بودیم. امروز بحمدالله این طرفمان که کمونیست بود، مسلمان شده. آن طرف که کمونیست بود، مسلمان شده. آن طرف که بعثی بود، ضعیف شده. ما می‌فهمیم اینها از کجاست. اینها کمک خداست. در شناختن مسبب‌الاسباب و آن دست قدرتمندی که دارد کارها را درست می‌کند، اشتباه نمی‌کنیم. خدای متعال به فضل و رحمت خود ما را از تنهایی درآورد و بحمدالله یک حکومت اسلامی در شرق کشور ما - حکومت افغانستان - تشکیل شد. امیدواریم که ان‌شاءالله کشورهای دیگر هم بتدریج به اسلام گرایش پیدا کنند و قدر اسلام را بدانند. شما مراقبت کنید از وسوسه‌های دشمن ضربه نخورید. اصل قضیه، حضور علما در صحنه‌های مختلف جهادی، سیاسی، سازندگی و هدایت مردم است، و سپس موضوع وحدت، اتحاد ملی و اتحاد اسلامی. نگذارید دشمن، منفذی پیدا کند.

بیانات در دیدار رئیس جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی

به همه‌ی آقایان محترم و برادران عزیز که میهمانان ارجمند جمهوری اسلامی و مجاهدان فی سبیل الله هستند، خیر مقدم و خوش‌آمد عرض می‌کنم و از خداوند متعال مسألت مینمایم که این اجتماعات و گفتگوها و تلاشهایی را که شما به آن مشغولید، مشمول فضل و رحمت خود قرار بدهد و برکت ببخشد؛ چون نه فقط یک ملت، بلکه دنیای اسلام چشم انتظار کارهای شماست.

امروز، اگرچه در محافل سیاسی و در گفتگوهای سیاسیون عالم، مسأله‌ی افغانستان یک مسأله‌ی صرفاً سیاسی و بین‌الدولی است؛ اما از نظر ملت‌های مسلمان، یک مسأله‌ی اسلامی است که به سرنوشت دنیای اسلام و آینده‌ی بین‌الملل اسلامی ارتباط تام و تمامی دارد. آنچه بحمدالله، هم برای همه‌ی مسلمینی که از مسایل جاری این منطقه و افغانستان مطلع و آگاه هستند و هم بخصوص برای ملت افغانستان و ایران مایه‌ی خشنودی و خوشحالی است، این است که مبارزات شما پس از سال‌ها رنج و زحمت، به یک نتیجه‌ی مقطعی و مرحله‌یی نایل آمد و ثابت شد که یک ملت، هر چند هم تنها و مستقل و علی‌الظاهر بی‌پناه باشد، اگر جهاد کرد، خدای متعال به او کمک میکند و با اراده‌اش معادلات جهانی را به هم خواهد زد - که به هم زد.

کسی باور نمیکرد که ملت افغانستان خواهد توانست نیروهایی را که با کمیت زیاد و با اراده و تصمیم قاطع وارد افغانستان شده بودند، از این کشور بیرون کند. جز ملت افغانستان، هیچ‌کس دیگر نبود که بتواند این کار را بکند. اگر کسی، دولتی، سیاسی، ادعا کند که او در چنین کاری مؤثر بوده است، حتماً گزافه است. فقط اراده‌ی ملت افغانستان و جهاد بزرگ و بسیار مراتبار این ملت مؤثر بوده است.

اگر شما جهاد نمیکردید و اگر آن جبهه‌های سخت و محروم از اولیات زندگی، با آن فداکاری تلاش نمیکردند، ممکن نبود دشمن از خاک افغانستان بیرون برود. البته، تغییر سیاستها در داخل شوروی هم مؤثر بود، اما آن چیزی که زمینه‌ی تغییر سیاست را فراهم میکرد، جهاد ملت افغانستان بود؛ والا ملتی که مثل بره، رام و مطیع دشمنان و اشغالگران باشد، هیچ‌کس اراده نخواهد کرد که او را رها کند. این اراده و جهاد شما بود که بحمدالله موفق شدید.

یادم می‌آید که در آن دوران سخت، حتی خود عناصر مؤثر مجاهد افغانستان هم وقتی اوضاع را بررسی میکردند، افق روشنی را نمیدیدند. هر چند با اعتقاد به حکم و قضای الهی، اجمالاً هر مؤمنی معتقد است که خدای متعال پیروزی را به مؤمنین خواهد داد، اما در مورد افغانستان، هیچ فرمول ظاهری برای این کار وجود نداشت؛ ولی شما دیدید که پیروزی واقع

شد. امروز هم شما به سمت پیروزی نهایی حرکت میکنید و باید حرکت کنید. آنچه مهم است، این است که همان عواملی که در آن روز به شما کمک کرد تا بتوانید مجاهدت کنید، امروز هم لازم است تا کمک کند که بهترین راه را انتخاب کنید و قویترین تصمیم را بگیرید و قدم آخر را بردارید. هنوز ملت افغانستان قدم آخر را برنداشته است و حیف است که انسان بعد از رسیدن به دروازه‌های پیروزی، متوقف شود و نتواند خود را به پیروزی برساند. اگر انسان ببیند شناگری نیرومند و چیره‌دست، با شنا از دریا عبور کرده تا خودش را به ساحل برساند، اما در یک کیلومتری ساحل، خدای نکرده برایش عارضه‌یی پیش بیاید، خیلی تأسف می‌خورد.

من امروز مسایل شما را میدانم و از طرق سیاسی و معمولی و مذاکرات فراوانی که با اغلب شما آقایان محترم - که از دوستان خیلی نزدیک و قدیمی من هستید - داشتم، در جریان آن هستم. امروز مشکل شما، مسأله‌ی اختلافات داخلی است که باید آن را برطرف کنید. دشمن مایل است که اختلافات روزه‌به‌روز بیشتر مشتعل شود و در همه جا بهانه هم زیاد دارد؛ بخصوص در افغانستان که بیش از بعضی جاهای دیگر، بهانه برای اختلاف وجود دارد. اگر چه به نظر ما، اختلاف شیعه و سنی در حقیقت اختلاف نیست؛ زیرا در اصول اصلی اسلام - که اگر کسی آنها را نداشت، مسلمان نیست - مشترکند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبله‌ی واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند؛ اما شما ببینید که استعمار در طول زمان از طرح مسأله‌ی شیعه و سنی در مقابل یکدیگر، چه وسیله‌ی اختلافی - بخصوص در محافل پایین‌تر و نسبت به اوساط پایین مردم که از معرفت و توجه، قدری دورتر هستند - درست کرده است.

قبل از انقلاب، ما در ایران تلاش زیادی داشتیم که این اختلافها برطرف شود، منتها تلاشها فردی بود؛ ولی بعد از انقلاب، سیاست جمهوری اسلامی این بود که بین برادران، وحدت و تفاهم ایجاد کند تا به هر دو طرفی که اختلافات خودشان را آن قدر عمیق و غیرقابل التیام می‌بینند، ثابت شود که در اشتباهند. بحمدالله علیرغم آن همه فشاری که دشمن وارد کرد، در

داخل کشور موفق شدیم. شما غالباً جزییات را نمیدانید؛ ولی اگر زمانی اینها نوشته بشود، آن وقت منصفان عالم خواهند فهمید که در این ده سال، ما برای ایجاد وحدت، از جانب توطئه‌های استعمار چه کشیدیم و متوجه خواهند شد که آنها با چه طرقي وارد شدند تا برادران مسلمان را در مقابل هم نگهدارند. ما همیشه به علمای فریقین گفته‌ایم، شما که میدانید وحدت و اتحاد حق است، بنابراین باید این نکته را به مردم خودتان و به عوام تفهیم کنید. البته، مخلصان قبول کردند و به همان اندازه هم تأثیر گذاشته‌اند.

چون من قبلاً در خراسان بوده‌ام و این استان با افغانستان هم‌مرز است، قبل از انقلاب دائماً رفت و آمد و ارتباط داشتم. به‌علاوه از طریق طلاب افغانی مقیم مشهد، در جریان مصایب افغانستان بوده‌ام. بنابراین من میدانم - و شما هم خوب میدانید - که تعصبات قومی و مذهبی و گرایشهای سیاسی، بهانه‌ی برای ایجاد اختلاف در افغانستان است. به هر حال، دشمن بهانه‌ی زیادی برای ایجاد اختلاف دارد. باید بر این بهانه‌ها فایق آمد و این کار، یک عزم توحیدی و الهی و پیامبرمآب لازم دارد؛ همان طوری که پیروان و انصار انبیای الهی، واقعاً با عزم راسخ وارد میدانها شدند.

سختی این میادین، کمتر از سختی میدان جهاد با تفنگ و مسلسل و ضدهوایی نیست. میدان خیلی دشواری است که بایستی بر آن فایق آمد. شما، رهبران و بزرگان و مرشدان مردم هستید. باید روی این مسأله کار کنید و علاوه بر ایجاد وحدت در میان مردم گوناگون از اقوام و تیره‌های مختلف افغانی با مذاهب مختلف و دادن پیام آرامبخش وحدت به آنها، تلاش کنید که پیام آرامبخش وحدت در خود دستگاه سیاسی و میان تلاشگران سیاسی به‌وجود آید. اگر یک طرف هم احساس کرد که حق او تضییع میشود، اغماض و تسامح و علاقه به وحدت را بر آنچه که او حق خودش میدانند، غلبه دهد.

همه باید تلاش کنند تا وحدت ایجاد شود. البته در طول این چند سال گذشته - بخصوص در یک سال اخیر - مکرراً به برادران مستقر در پاکستان و ایران گفته‌ایم که افغانستان جز با وحدت گروهها و نیروها، نخواهد توانست به مقصود خودش دست یابد. اگر کسی خیال کند

که با حذف این گروه یا آن دسته، خواهد توانست کار را به پیش ببرد، اشتباه کرده است. امروز مشکل اصلی، مشکل اختلاف است. باید هدف عمومی و اصلی، ایجاد وحدت باشد. همه هم باید کمک بکنند. آنهایی که بزرگترند، بیشتر باید تلاش کنند و آنهایی هم که کوچک‌ترند، باید تلاش کنند تا این وحدت ان شاء الله انجام بگیرد.

افغانستان، یک کشور و ملت مسلمان خالص با سوابق دیرین در فرهنگ اسلامی است. ملت افغانستان، حق زیادی در اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی دارد. کتب حدیث و تفسیر و فقه و تاریخ و امثال اینها، که در طول قرون متمادی از افغانیها صادر شده، چند برابر آن مقداری است که کشورهای مغرب اسلامی توانستند به وجود آورند. یعنی تولید اسلامی ملت افغانستان، یکی از تولیدهای درجه‌ی یک محسوب میشود که بسیار باارزش است. بنابراین، ملت افغانستان در فرهنگ و موارث اسلامی، دارای حق است. ملتی با این خصوصیات که کشورش کشور اسلامی است، قاعدتاً حکومتش هم باید اسلامی باشد.

امروز که روز شروع کارتان است، باید ببینید که وحدت را از چه راهی میتوانید تأمین بکنید. امروز وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم استراتژی و هم اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است. امروز اگر بخواهید به قضایای خیلی سیاسی نگاه کنید، وحدت برای شما لازم است. البته نباید به وحدت به چشم تاکتیک نگاه کرد؛ وحدت یک اصل اسلامی است: (واعتصموا بحبل الله جميعاً). (آل عمران: ۱۰۳). یعنی اعتصام به حبل الله، جمعاً و مجتمعاً لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تک تک ممکن نمیشود: (ولا تفرقوا) (آل عمران: ۱۰۳).

امیدواریم که خدای متعال به شما برادران عزیز افغانی کمک کند، تا ان شاء الله آن سعه‌ی صدر و سماحت لازم و وسعت نظری را که به ایجاد وحدت کمک خواهد کرد، به دست آورید. ما در کنار شما بودیم و هنوز هم هستیم.

یکی از اهداف بلندگوهای استعمار این است که بین ملت‌های برادر، جدایی بیندازند. اختلاف، صرفاً بین اعضای یک ملت که ایجاد نمیشود، بلکه طرح اختلاف میان ملت‌ها، بخصوص دو ملت مانند افغانستان و ایران که مسایلشان به طور کامل به یکدیگر مرتبط است

و هر حادثه‌یی که در این جا اثر بگذارد، در آن جا هم اثر خواهد گذاشت و بعکس، میتواند آثار سویی دربر داشته باشد.

بلندگوهایی سعی داشتند و دارند که روزه‌روز بین این دو ملت جدایی بیندازند؛ اما ما در سخت‌ترین شرایط نیز، هیچ مصلحتی را بر مصلحت دفاع از افغانستان غلبه ندادیم. همه‌ی شما میدانید که تهران زیر موشک بود و هر شبانه‌روز، ده تا پانزده موشک - بلکه بیشتر - وارد تهران میشد و منفجر میگردد و دهها انسان را از بین میبرد و خانه‌هایی را خراب میکرد. آن روز، علاج کار این بود که به یک طرف لبخند بزنیم؛ ولی در جهت رضای الهی نزدیم و آن شرایط سخت را تحمل کردیم.

قبل و بعد از آن نیز در طول جنگ تحمیلی هشت ساله، بخش عمده از زحماتی که متحمل شدیم، به خاطر موضع قاطع و صریحی بود که در امر افغانستان داشتیم. آن موضع، امروز هم وجود دارد و هیچ فرقی نکرده است. امروز هم ما در کنار ملت و جهاد و وحدت افغانستان و نیز حکومت اسلامی آینده‌اش قرار داریم. اگر کسی بخواهد این وحدت را بشکند و در داخل ایجاد فتنه کند، با او احساس برادری نخواهیم کرد و او را دست شیطان به حساب خواهیم آورد. کسانی که خودشان و زبان و عملشان تفرقه‌انگیز است، به اعتقاد ما ایادی شیطان هستند. برادری و مسلمانی، این گونه نمیشود.

امیدواریم خدای متعال به ما و شما توفیق دهد تا بینیم که قضیه‌ی افغانستان، در همان شکل مطلوب اسلامی خودش قرار گرفته است و این جهاد پاکیزه و مخلصانه و مظلومانه‌ی شما، به آخرین نتایج خودش نایل آمده است. مجدداً از شما آقایان که لطف کردید و به این جا - که خانه‌ی شماست - تشریف آوردید، تشکر میکنم. مردم هم برادران شما هستند، ما هم در خدمت شما هستیم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

دفاع از حق مظلومین افغانستان در مقابل زورگویان

تبلیغات امریکایی و همدستانان می‌خواهند القاء کنند که در ایران دوران جوشش انقلاب به

سر آمده و انقلاب، راه گذشته‌ی خود را تغییر داده است. علی‌رغم دشمن اعلام می‌کنیم و همه باید عملاً و قولاً نشان‌دهند که انقلاب اسلامی، راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد. اگر قلدردان عالم، خوش‌خیالانه گمان می‌کنند که این سنگر مظلومان و این مدافع مستضعفان و این پایگاه مبارزه با نظام سلطه و ظلم و استکبار جهانی، لحظه‌یی هدف‌های بزرگ خود را از یاد خواهد برد سخت در اشتباهند. ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود. ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین و بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود و به برادران فلسطینی خود توصیه می‌کنیم که راه خدا یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه‌یی دینی می‌شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست‌نیافتنی نمی‌دانند. ما همواره از حق ملت مظلوم افغانستان در برابر آنان که با او به زور یا تزویر عمل کرده‌اند، دفاع خواهیم کرد و معتقدیم ملت افغان که با نثار خون هزاران شهید توانسته نیروهای بیگانه را از خانه خود بیرون براند، در سایه‌ی توکل به خدا و قطع امید از قدرت‌های مداخله‌گر و کسانی که به آنان خدمت می‌کنند خواهد توانست نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مبتنی بر خواست و اراده‌ی ملت را در کشور خود مستقر نماید. ما خود را همواره نسبت به ملت مقاوم و مظلوم لبنان که دستخوش توطئه‌ی مشترک صهیونی، مارونی، امریکایی است، دارای تکلیف دانسته‌ایم و خواهیم دانست. این، راه ما و وصیت امام عظیم‌الشان ما و دستور اسلام ماست و بدان همواره وفادار خواهیم ماند. (پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی ۱۳۶۷/۷/۱۲)

بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان

در ابتدا، خدا را سپاسگزاری می‌کنیم که توفیق عنایت کرد، یک بار دیگر شما برادران عزیز را با هم در یک مجلس و بحمدالله با نظرات واحد یا متقارب در امر وحدت و اتحاد، زیارت

کنیم. بخصوص که در این جمع ما، عده‌یی از برادرانی هستند که بخش مهمی از وقت و عمرشان را در جبهه‌های جهاد نظامی گذرانده‌اند و حامل حقایق داخل میهن اسلامی افغانستانند. به همهی شما برادران خوش آمد عرض میکنیم و دعا میکنیم که شما و ما را در راه خود ثابت قدم بدارد و ان شاء الله ما را بر تسویلات شیطانی و هواهای نفسانیمان غالب کند. به نظر من، یکی از حوادث مهم عالم در این دوران، قضیه‌ی افغانستان است. دو امر عجیب، پی در پی در کار افغانستان اتفاق افتاد که هیچ کدام از این دو امر، پیش‌بینی نمیشد و به ما نشان داد که چه قدر تقدیر الهی، گاهی دور از محاسبات عادی ما و صد درصد بر طبق سنن الهی حرکت میکند و از معتاد تفکرات ما خارج است. در این دو حادثه‌یی که اتفاق افتاد، این مطلب ثابت شد.

یکی از دو حادثه، عبارت از پیروزی شما بر سیاست اشغالگر مقتدر عالم بود. یعنی شما بودید که اشغالگر را وادار کردید بروید. این، واقعاً یک حادثه‌ی عجیب بود. یک قدرت جهانی با آن عظمت، نیامده بود که برود. روسها مگر آمده بودند وارد افغانستان بشوند که این همه کشته و خسارت بدهند، بعد هم بروند؟! اینها آمده بودند که بمانند. چه عاملی آنها را وادار کرد که بروند؟ جهاد. اگر کسی غیر از این تصور کند، قطعاً اشتباه کرده است. خیلی عوامل از لحاظ سیاسی و بین‌المللی و اجتماعی قابل تحلیلند؛ لیکن آنچه که آن عوامل را به وجود آورد، چیزی نبود، مگر جهاد شما؛ و الا اگر شما جهاد نمیکردید، جای دشمن گرم بود و در آن جا میماند؛ چرا برود؟

ما باید اعتراف بکنیم که وقتی میخواستیم با عقلمان مسایل را ببینیم، این را نمیدیدیم. البته با ایمان و اعتقاد قاطعمان به حاکمیت و سلطه‌ی سنن الهی و تاریخی، این را حدس میزدیم؛ اما وقتی میخواستیم با عقل سیاسی قضایا را تحلیل کنیم، نه. خروج روسها از افغانستان، قابل پیش‌بینی نبود. این حادثه، حادثه‌ی بسیار عجیبی بود.

حادثه‌ی دوم که آن هم از لحاظ عجیب بودن، کمتر از اولی نیست، این است که بعد از آن که روسها رفتند و دولت صوری افغانستان تنها ماند، تحلیل همه این بود که با یک حمله‌ی

مجاهدان، قضایا تمام خواهد شد و مجاهدان پیروز خواهند گردید. حادثه‌ی دوم این بود که مجاهدان شکست خوردند و پیروز نشدند. این عدم پیروزی، شکست بود؛ ما که نمیتوانیم خودمان را فریب بدهیم. این مورد هم قابل پیش‌بینی نبود. این هم جز با اطلاع از سنن الهی، ممکن نبود کسی پیش‌بینی کند. سنن الهی این است که اگر در خط او و برای او و با تمسک به اراده‌ی او حرکت کردید، پیش می‌روید؛ و آلا نمی‌روید.

من این آیه‌ی شریفه را مکرر در باب قضایای افغانستان و ایران خوانده‌ام. درباره‌ی قضایای افغانستان هم این آیه صادق است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه» (احزاب: ۱۹). اول شما دشمن را بیچاره کردید، «حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فیالامر و عصبتکم من بعد ما اراکم ما تحتون منکم من یرید الدّینا و منکم من یرید الاخرة ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم» (آل عمران: ۱۵۲). خوشبختانه دنباله‌ی آیه می‌فرماید: «و لقد عفا عنکم» (همان)؛ این است دیگر.

باید با همان نواخت اول، حرکت ادامه پیدا میکرد. وقتی که مجاهدان، در لحظه‌ی که باید بیش از همه، مخلصانه وارد عمل بشوند، با دید سیاسی مصلحت‌اندیشانه و سودجویانه به قضایا نگاه کردند؛ این گروه خواست آن گروه را پس بزند؛ آن گروه خواست فلان قِمه را تصرف کند، کار خراب شد. حالا هم راه همان چیزی است که در این ده، یازده سال، بلکه اگر یک مقدار از جلوتر ببینیم، در این پانزده، شانزده سالی که مبارزات شما برادران افغانی با دولتهای جائر حاکم بر افغانستان شروع شده؛ همان‌طور که حرکت میکردید، همان‌طور حرکت کنید؛ یعنی با نیت خالص برای خدا و عملی که در آن، هیچ اثر و نشانه‌ی از اهوای نفسانی نباشد. این، راه پیشرفت است.

مسأله‌ی وحدت بین شما برادران شیعه، یک امر ضروری است؛ همچنان‌که بین همه‌ی مسلمین و بین همه‌ی مجاهدان در افغانستان ضروری است؛ منتها «ما لا یدرک کله لا یتدرک کله». اگر در راه یک هماهنگی کاملاً مخلصانه بین همه‌ی نیروهای جهادی در افغانستان، موانعی وجود دارد، لا اقل بین شما برادران شیعه بایستی موانع برداشته بشود و این، قدمی برای

همکاری در چارچوب وسیع‌تری باشد. لذا وحدت چیز ضروری است؛ نمیشود گفت چیز مستحسنی است؛ فوق مستحسن است.

نباید هم خودمان برای این وحدت، این قدر شرط‌وشروط قایل بشویم که تحقق پیدا نکند. وحدت، وحدت است دیگر. همکاری، یعنی همکاری؛ و الا اگر همین موضوعی که حسنش این است که متفق علیه همه است، برایش شرط‌وشروط و موانع قایل شدیم و هر کسی از یک طرف سر درآورد و گفت نه، فلان جهت را هم باید رعایت کنید؛ آن یکی هم گفت، فلان جهت هست؛ این که دیگر وحدت نشد! باید بر مباحثات فایق بیایید.

شورای ائتلاف را هم که ما تلاش کردیم آن روز تشکیل بشود، به همین نیت بود که همکاری و وحدت باشد. آن روز هم بعضی از برادران، اشکال ایجاد میکردند. خیلی از شماها در آن جلسه حضور داشتید و خاطرتان است که من با بعضیها اوقات تلخی کردم؛ برای خاطر این که دیگر وقتی قرار است کاری بر و تیره‌ی صحیحی انجام بگیرد، بایستی بر مباحثات فایق آمد.

کار را باید انجام بدهید. با طول بحث و جدل و بگوومگو، مصلحت کار تفریط نشود. حالا هم که من احساس میکنم شما آقایان، چه آن کسانی که از داخل آمده‌اند، چه کسانی که در این جا بوده‌اند، متفق هستید که شورای ائتلاف را به یک وحدت سازمانی و تشکیلاتی تبدیل کنید - حزب وحدت، معنایش این است دیگر - من موافقم، کار خوبی است؛ مشروط بر این که گروه‌گرایها دیگر دخالت نکنند. البته این کار، یک مقدار به نصیحت حل میشود، یک مقدار هم به نصیحت حل نمی‌شود و بایستی جمعی را به عنوان داور بی طرف بگذارید که اگر در جایی گروه‌گرایی مشاهده شد، با آن مقابله کند.

من این کار را تأیید میکنم و ارتباط آن با خودم را قبول مینمایم. جناب آقای ابراهیمی را که مورد اعتماد من هستند و با قضایای افغانستان هم کاملاً آشنا شده‌اند، کمافی‌السابق به عنوان رابط میگذارم. آن جمع شش نفری، اصلش را من قبول میکنم. اگر افراد با انتخابات و به شکل معقول و قابل دفاعی انتخاب شده باشند، حق است و ما موافقیم. یعنی شش نفر باشند که در همه‌ی امور سیاسی و شرعی، قِمه‌ی تشکیلات باشند و کارها به آنها مراجعه بشود. آنها هم با

نماینده‌ی ما ارتباط مستمر و تنگاتنگی داشته باشند. البته ارتباط با بدنه هم باید محفوظ باشد. هم وزارت خارجه، هم سپاه، هم جناب آقای ابراهیمی، باید ارتباط با بدنه را برقرار داشته باشند که نباید غافل از بدنه شد. ممکن است در آن جا حرفی، نظری و یا بحثی باشد؛ اما به نظر ما، آن جمع بالا چیز مثبتی است. ما به طور قاطع نمیگوییم این کار را بکنید، اما اگر شما آقایان قبول و تصدیق کردید و آن را خواستید، ما تأیید میکنیم؛ کار خوبی است.

آنچه که من همیشه در جلسات متعدد روی آن تأکید کرده‌ام و الان هم تأکید میکنم، اصل قضیه - یعنی وحدت - است. اگر بخواهید جهاد کنید، وحدت میخواهید. منظور ما از وحدت، هماهنگی و یکنوایی و همصدایی است، تا برادران دیگر در مقابل هم قرار نگیرند و لوله‌های تفنگ، از دشمن به دوست منصرف نشود. اگر ان شاء الله این هماهنگی باشد، خدا هم کمک خواهد کرد. «من كان لله كان الله له» (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷). این را صادق مصدق گفته است و ما نمیتوانیم در آن شکی داشته باشیم. برای خدا باشیم، تا خدا هم برای ما باشد. «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا» (عنکبوت/ ۵) این حرفها، معلوم و واضح است و مطالبی بوده که همیشه ماها میگفتیم؛ حالا در عمل باید تجربه بکنیم و به آن عمل نماییم. گفتن، دیگر کافی است.

علی ای حال، ما دعا میکنیم و امیدواریم که خداوند شما را تأیید کند. بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفول‌عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج

ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را - اگر حل شد - حل کنند. کسانی که اهل حقند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی اینها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نکه خواهد داشت. اکثران یا جمع کثیری از شما، بحمدالله عالم، فاضل، درس خوانده، زحمت کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار فرهنگی را ان شاء الله دنبال کنید. ان شاء الله که خداوند همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد.

اظهارناراحتی مقام معظم رهبری از وضعیت افغانستان

امریکاییها بدانند که با این جنجالها و شیطنتها و شرارتهایی هم که در کشور همسایه شرقی ما - افغانستان - راه انداخته‌اند، راه به جایی نخواهند برد. من البته برای ملت افغانستان خیلی متأثرم. حیف این ملت؛ حیف این کشور افغانستان که دست یک مشت جهّال بیفتد که نه مصلحت خودشان را می‌دانند، نه اسلام را می‌شناسند، نه سیاست را می‌شناسند، نه توطئه و فریبه‌های بیگانگان و طواغیت را می‌فهمند چیست؛ همه چیز را بازیچه خیال می‌کنند. خون این همه مسلمان در افغانستان ریخته می‌شود. حقیقتاً بنده خیلی غصّه‌دار و ناراحتم از وضعی که در افغانستان هست. امیدوارم خدای متعال خودش تفضّلی کند و این ملتی را که توانست در مقابل شوروی، آن ایستادگیها را بکند، از دست جهّال و آدمهای خام نجات دهد.

هشدار به دخالت بیگانگان و کشورهای همسایه

بیگانگان در افغانستان دخالت می‌کنند؛ بعضی از کشورهای همسایه هم متأسفانه به دخالت می‌پردازند و خیال می‌کنند به خیرشان است. در حالی که اگر آن کاری که آنها می‌خواهند بکنند، انجام شود - که خیلی هم بعید است بتوانند آن کار را انجام دهند - اولین کشور و دولتی که صدمه خواهد خورد، خود آن دولتی است که حالا اینها را کمک و حمایت می‌کند! خود آنها بیشتر متضرّر خواهند شد؛ اما حالا نمی‌فهمند. این تجربه ما در این‌گونه مسائل است (اشاره معظم‌له به اوضاع افغانستان در زمان تسلّط گروه طالبان و حمایت پاکستان از آنهاست).

امت اسلام از دسیسهای کفار بیزارند

عده زیادی از مردم از دست می‌روند. من شنیدم منطقه (بامیان) را که یک مشت مسلمان مظلوم و مؤمن در آن به‌سر می‌برند، بمباران می‌کنند؛ چون زیر نفوذشان نیست! اینها کارهایی است که اسلام از آن متفّر است؛ امت اسلامی از این کارها بیزار است. ملت افغانستان ملت مسلمانی است؛ در مقاومت در برابر افراد ظالم و ستمگر، ملت ریشه‌دار و باسابقه‌ای است. اینهایی هم که امروز این کارهای خلاف را می‌کنند، نمی‌توانند کار را به جایی برسانند. مطمئناً ضربه خواهند خورد و ضرر خواهند کرد. به‌هر حال، این کسانی که در افغانستان این کارها را می‌کنند، بدانند که پشت سر کارهایشان، دست سوء استفاده‌چی بیگانگان اعم از امریکا و غیر امریکاست. بعضی از کشورهای غیر امریکایی هم - استعمارگرانی که از قدیم در این منطقه مطامعی داشتند - وجود دارند. ملت چه گناهی کرده است که یک عده افراد خام نادان، بازیچه دست بیگانگان شوند و به جانش بیفتند؟ آن کشور، یک مرکزیت قوی و استواری ندارد که در چنین جاهایی بتواند آنها را نجات دهد. البته ما دستگیری کارمندانمان را در شهر (مزارشریف) کار خیلی زشتی می‌دانیم. به صلاح و صرفه آنهاست که هرچه زودتر این کار زشت خودشان را جبران کنند و با احترام آنها را به کشورشان برگردانند؛ چون ملت و دولت ایران و نیروهای مسلح، شیطنت و شرارت را از امریکا هم تحمّل نمی‌کنند؛ چه برسد از این آدمهای کم‌ارزش و حقیر. امیدواریم خداوند متعال امت اسلامی را بیدار کند؛ دشمنان را به آنها درست بشناساند، که این‌طور فریب دشمنان را نخورند و بتوانند مصالح خودشان را بفهمند؛ همچنان که بحمدالله ملت عزیز و عظیم ایران، این راه را رفته است و با قدرت و استقامت، باز هم خواهد رفت. (بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۷۷/۵/۲۷)

وحدت میام مجریان جامعه

یک بخش دیگر از مظاهر وحدت، وحدت میان ملت و مجریان است. امروز یکی از مشکلات بزرگ کشورها، این بخش قضیه است. در کشورهای مختلف، بین عموم و یا بخشهای عمده‌ای از مردم و دستگاههای اجرایی، اختلافات عمیقی وجود دارد و همه چیز

مردم قربانی این اختلافات می‌شود؛ نان و آب مردم، امنیت مردم، آسایش مردم. در بعضی از کشورهای اروپایی، حتی در طول ده سال، بیش از ده دولت سرکار آمدند و از بین رفتند. چرا؟ به خاطر رقابتهای مردمی که به فکر مصالح کشورشان نیستند و به فکر مصالح گروهی خودشانند. در همسایگی ما هم چنین کشوری هست. امروز شما ببینید در کشور افغانستان، گروههای افغانی همه متعلق به یک کشورند؛ اما چنان به جان هم افتاده‌اند که دشمنان خونی جدای از یکدیگر، این طور باهم نمی‌جنگند که اینها با هم می‌جنگند! این بیچارگی یک ملت است، این تیره‌روزی یک ملت است که خدای متعال آن را به چنین وضعی دچار کند. در کشوری که برادران با هم بجنگند و هرکس به فکر خود باشد، آنچه از دست می‌رود، مصالح عموم ملت است. (بیانات در دیدار مردم کرج ۱۳۷۶/۷۶/۲۴)

عوامل تسلط بر کشورهای به ویژه افغانستان

عامل اول پناه بردن به استفاده‌ی از زور و خشونت و سرکوب بود؛ انواع خشونت‌ها، از جمله تحریم. دیده شد و در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفت که وقتی که اینها با یک کشوری، با یک ملتی مسئله پیدا می‌کنند و نمیتوانند غلبه‌ی فرهنگی خودشان را بر این کشور تحمیل بکنند و سلطه‌ی خودشان را تأمین بکنند، دست به زور می‌برند و لشکرکشی میکنند؛ گاهی با لشکرکشی، گاهی با ترور، گاهی با راه انداختن جریانهای تروریستی؛ که اینها همه در همین زمان خود ما در همین اواخر دیده شده و این در مقابل چشم مردم دنیا است: حمله‌ی به کشورها، حمله‌ی به عراق، حمله‌ی به افغانستان، حملات گوناگون به شکل‌های مختلف به پاکستان و جاهای دیگر. این هم یکی از آن چیزهایی است که نظام ارزشی غرب را به چالش کشیده.

و عامل دوم هم جریان‌سازی‌هایی از قبیل همین جریان القاعده و داعش و مانند اینها. حالا اینها ادعا می‌کنند که اینها با ما مربوط نیست؛ اما همه میدانند. من یک چیزی را نقل کردم از قول یکی از مسئولان معروف آمریکایی، بعد خودشان منکر شدند. علی‌الظاهر هست، اینها اعتراف می‌کنند که این جریانها را اینها به راه انداخته‌اند؛ اگر هم اعتراف نکنند ما شواهد داریم، ما میدانیم. من فراموش نمیکنم، مرحوم شیخ سعید شعبان - حالا آوردن اسمش دیگر اشکالی ندارد - عالم

معروف اهل سنت، در مشهد - آن وقتی بود که ما در دوران جنگ بودیم - به من گفت که من اطلاع دارم که دارند تلاش می کنند برای اینکه شما را از طرف شرق کشورتان، مشغول کنند و درگیر کنند؛ من گفتم خب شرق ما افغانستان است؛ گفت بله از طرف افغانستان. این قبل از آن بود که این جریان طالبان و القاعده و این حرفها در افغانستان راه بیفتد؛ ایشان خب ارتباط داشت با محافل گوناگون سیاسی و روحانی اهل سنت، در جاهای حساسی حضور داشت، شخص بسیار محترمی بود، مطلع شده بود، گفت من وظیفه‌ی خودم دانستم که این را به شما بگویم. بعد از اندکی هم همین حوادث اتفاق افتاد و دیدیم که همین جور بود که گفت. بنابراین شبهه‌ای وجود ندارد که راه انداختن این جریانها و ساختن این جریانها، به دست همین قدرتهای غربی و عوامل منطقه‌ای آنها [است]. حالا ممکن است یک مواردی خودشان مستقیم وارد نشوند و دیگران [وارد شوند]. البته مستقیم هم وارد شدند؛ در همان قضیه‌ی طالبان من فراموش نمیکنم در مجلات آمریکایی، جوری از طالبان حرف میزدند که به نحوی ترویج آنها بود؛ [البته] صریحاً ترویج نمیکردند اما کیفیت کار تبلیغاتی، ترویج طالبان بود آن اوایلی که اینها سرکار آمده بودند. بنابراین اینها عواملی است که آن نظام ارزشی مدعی برتری را - که غرب آن را مطرح میکرد - امروز در دنیا کاملاً به چالش کشیده؛ این حرف را دیگر از غربی‌ها و از قدرتهای غربی کسی نمیپذیرد که اینها بگویند ما طرفدار حقوق بشریم، ما طرفدار ارزشهای انسانی هستیم، و مانند اینها. آن چیزهایی که در اعلامیه‌ی استقلال آمریکا در دویست سال قبل ذکر شده بود، همه عملاً نقض شده است. (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۶/۱۳)

پیروی مردم افغانستان از حضرت امام خمینی علیه السلام

در آغاز جهاد مردم افغانستان، امام جمعه شهر قندهار درباره نهضت امام خمینی علیه السلام و تشکیل حکومت اسلامی سخنرانی می کرد؛ از قیام و رهبری قهرمانانه امام خمینی علیه السلام در برابر رژیم پهلوی و مبارزه ایشان با استبداد و بی دینی صحبت می کرد و بسیار با احساسات شعار می داد: مذهب من حنفی است، رهبر من خمینی است. (به نقل از نشریه اخوت، دبیرخانه مجمع علمای شیعه و سنی افغانستان، ص ۳۲.)

پس از رحلت امام خمینی علیه السلام مردم مسلمان افغانستان در شهرهای کابل، هرات، مزارشریف و مناطق مرکزی با شنیدن خبر ارتحال او به مساجد و تکایا روی آوردند و با برپایی مجالس عزاء، یاد و خاطره رهبر معنوی جهاد مقدسشان را گرامی داشتند و عاشورای دیگری را در اذهان زنده نمودند. در شهرهای کابل و مزارشریف که تحت سیطره دولت کمونیستی بود، عزاداران با وجود تدابیر شدید امنیتی به سرک‌ها آمدند و در سوگ عظمای رهبرشان به سر و سینه زدند و شاعران و خطیبان و مداحان در سوگ امام خمینی علیه السلام به شعرخوانی و نوحه‌سرایی پرداختند (امام خمینی در حدیث دیگران، علی‌اکبر مرتضایی، ص ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳).

حوزه و مسجد جامع محمدیه حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ علیه السلام که از زمان بقدرت رسیدن کمونیست‌ها تا سال ۱۳۶۷ خورشیدی مسدود بود، همزمان با ارتحال امام خمینی علیه السلام در زمان حکومت داکتر نجیب دروازه این مرکز دینی با برگزاری مراسم و تجلیل امام خمینی علیه السلام بر روی مومنین گشوده شد و اعضای کابینه ی داکتر نجیب با تشریفات خاص در آن مراسم شرکت نموده و اظهار همدردی شان را با ملت مسلمان افغانستان و ایران ابراز داشتند.

امام خمینی علیه السلام از دیدگاه شخصیت‌های افغانستان

علما و شخصیت‌های جهادی و سیاسی افغانستان در وصف امام راحل بسیار سخن گفته و می‌گویند و هرکدام اعتقاد دارند که عامل مهم و اساسی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام ایمان او بود تا انقلاب اسلامی را در ایران به پیروزی برساند، هرچند امام خمینی علیه السلام رحلت نمود و از دنیا رفت و در جمع ما نیست، اما تفکر آن اندیشمند بزرگ در میان ما زنده است.

۱. شهید سید محمد سرور واعظ علیه السلام امام خمینی علیه السلام در راه احیای ارزشهای دینی رنج و مشکلات دیده سخن می‌گوید.

۲. مرحوم مولوی نصرالله منصور، از رهبران جهادی افغانستان: امام خمینی علیه السلام الگویی برای ایجاد اتحاد میان مسلمین است که با آگاهی بخشیدن به جوامع اسلامی، مسلمین را متحد کرد. (امام ازدیدگاه شخصیت‌های افغان و جهان، ص ۳۳).

۳. برهان الدین ربانی: مبارزات امام خمینی جاودانه خواهد ماند، امروز اگر او در بین ما

نیست اما روح و فکرشان برای همیشه باقیست. (سخنان استاد ربانی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ ۱۴ جوزا ۱۳۸۸)

۴. آیت الله محسنی امام خمینی ﷺ شخصیت بی نظیر بود که حرکت او سرآغاز بیداری اسلامی در جهان شد و او با اعتماد به نفس هرگز از قدرت سیاسی، استفاده شخصی نکرد. احترام به امام خمینی ﷺ به این دلیل است که ایشان جان خود را فدای اعتلای اسلام و مسلمانان کرد. (روزنامه سخن جدید، شماره ۳۳۰، دوشنبه ۱۵ جوزا ۱۳۹۱).

۵. گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان: ... ملت ایران در رهبری و قیادت قاطع امام، توانستند انقلاب خود را به پیروزی برسانند، ما خدای رحمان را سپاسگذاریم تا به ملت مومن ایران قیادت قاطع عنایت کرد. ما از مواضع که انقلاب ایران در خط امام اتخاذ کردند دفاع کرده ایم و دفاع خواهیم کرد. ما معتقدیم که خط امام، خط اصیل اسلامی است و ما از این خط دفاع می کنیم. ما انقلاب اسلامی ایران را مال ملت ایران نمی دانیم و به ملت ایران هم این حق را نمی دهیم که انقلاب را محدوده ایران منحصر بسازد. انقلاب اسلامی ایران متعلق به همه مسلمین است. (نشریه راه حق، شماره ۱۷، سال سوم، ۳۰ قوس ۱۳۶۰ به نقل کتاب «افغانستان در کلام امام» ص ۳۲)

۶. آیت الله سید محسن حجت: امام خمینی ﷺ سال ها مانند خورشید پشت ابر بود و در آخر، ابرهای ظلمانی کنار رفت و چهره ی مانند خورشیدش همه جهان را روشن کرد، او الگوی تمام آزاد اندیشان جهان است. افکار و اندیشه های عالی امام خمینی ﷺ در میان ما باقیست و ما باید تلاش کنیم که فکر سیاسی و واقعیت های که از آن بزرگ مرد با درک درستی از زمان داشت ما نیز آن راه را ادامه دهیم. ()

۷. آیت الله شیخ محمد هاشم صالحی: نهضت امام خمینی ﷺ یک تکان عجیب در جهان معاصر و در بین ملتها ایجاد کرد و به ملتها خصوصاً نسل جوان تحرک و نیرو و مقاومت و امید به نتیجه را ایجاد کرد.

در همه درسها پیامها چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چه بعد از آن ملت اسلام را دعوت به اخوت، برادری، هماهنگی و انسجام و صف واحد بودند «کانه هم بنیان مرصوص»

مینمود و هفته وحدت را که اعلام فرمود و بنیان گذار آن بود، دلیل محکم بر این مدعا و توجه خاص که به فلسطین و سراسر جهان اسلام داشت.

آیت الله شیخ محمد نقی افشار، امام جمعه شرق کابل: امام خمینی تمام زندگی خود را در پرتو دستورات قرآن و سنت وقف احیای ارزشهای دینی نمود و منادی آزادی و رهایی مسلمانان از قید استعمار و استکبار گردید و مسلمانان جهان را در مسیر اسلام واقعی رهبری کرد. امام خمینی علیه السلام با راه اندازی انقلاب جمهوری اسلامی ایران توانست ریشه جهان اسلام را آبیاری کند و روابط میان جهان اسلام را مستحکم نماید.

انجینیر احمد شاه احمد زی، صدر اعظم اسبق افغانستان و رهبر حزب اقتدار ملی اسلامی افغانستان: امام خمینی علیه السلام بت شکن تاریخ بود. او می‌توانست در بهترین کاخ‌های تهران زندگی کند ولی این کار را نکرد. او به همه ما وحدت کلمه را آموخت. با اعلام وحدت و یگانگی توانست حکومت اسلامی را در ایران پایه‌گذاری نماید و جهان اسلام را زنده نگهدارد، چنانچه این انقلاب در میان مسلمانان جهان جاودانه است. بیداری ملت‌های مسلمان در نهضت امام خمینی علیه السلام بسیار واضح و آشکار است (دومین سمینار بررسی اندیشه‌های امام خمینی همان). حفیظ منصور عضوی شورای ملی: امام خمینی احزاب توده و کمونیست را از لحاظ نظامی شکست نداد بلکه از طریق مجالس بحث و گفتگو و با دلیل و منطق شکست داده و ریشه کن کرد. و این سرمشقی برای دیگر ملت‌ها است که با مخالفین اسلام باید اینچنین رفتار کرد و آنها را از ریشه خشکاند. نجم الرحمن موج: امام خمینی علیه السلام فرزند راستین مکتب توحید بود که پرچم اسلام را بر قله‌های آزادی و آزادگی جهان به اهتزاز در آورد. مولوی کمال الدین حامد: امام خمینی علیه السلام به جهانیان فهماند که اسلام یک حکومت سیاسی است و دین جدا از سیاست نیست. امام خمینی علیه السلام هنگامی در برابر کفر و ابرقدرت‌ها ایستاد که در دنیا، شعار دین افیون ملت‌ها است سر داده می‌شد و زمانی درس آزادگی به ملت‌های مسلمان داد که بیشتر کشورها وابسته به الحاد شرق یا غرب بودند ولی آن حضرت با شعار نه شرقی نه غربی، بیداری اسلامی را مطرح کرد.

کتابنامه

.....
اصفهان، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ه ق

امام ازدیگاه شخصیت‌های افغان و جهان، بی تا بی جا
دومین سمینار بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ع) از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص)
۱۴ جوزا ۱۳۸۸ در مدرسه علمیه محمدیه آیت الله العظمی شهید واعظ (ع).

روزنامه سخن جدید، شماره ۳۳۰، دوشنبه ۱۵ جوزا ۱۳۹۱.

سید رضی، محمد، نهج البلاغة، مؤسسه نهج البلاغة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه ق
عادلی «حسینی» سید جعفر، امام خمینی (ع) حقیقت همیشه زنده، بی تا بی جا
موسوی خمینی روح الله صحیفه امام مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام ۱۲۳۷۱ ش.
مرتضایی علی اکبر، امام خمینی در حدیث دیگران نشر آزادی تهران: ۱۳۷۸ ش.
مکارم شیرازی ناصر، ترجمه قرآن کریم تهران دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ۱۳۸۰ ش.
نرم افزار بسوی نورینج مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری از سال ۱۳۹۴/۱۳۵۹ ش.

نشریه و مجله الکترونیکی اخوت www.okhowah.ir

نشریه راه حق، شماره ۱۷، سال سوم، ۳۰ قوس ۱۳۶۰ به نقل از کتاب «افغانستان در کلام امام»

